

تحلیل نقش عوامل اجتماعی - فرهنگی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران بر اساس نگرش سیستمی

نرگس حجتی‌پناه - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

سید هادی زرقانی* - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

امیدعلی خوارزمی - استادیار مدیریت شهری، دانشگاه فردوسی مشهد

پذیرش مقاله: ۹۶/۰۳/۲۷ تأیید نهایی: ۱۳۹۶/۰۹/۲۱

چکیده

با توجه به اهمیت روزافزون دولت محلی و کارکرد مؤثر و مقبولیت آن در میان کشورهای جهان، در این پژوهش نقش عوامل اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران بررسی شده است. همچنین به دلیل نقش مؤثر تفکر سیستمی در حوزه‌های مختلف برنامه‌ریزی و مدیریت، تفکر سیستمی اساس مطالعه حاضر است. نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی است و با استنباط از هر دو روش کمی-کیفی صورت گرفته است. در بخش کمی، جامعه آماری صاحب‌نظران بحث دولت محلی هستند که براساس برآورد پژوهشگر، ۴۰ نفر انتخاب شدند. در قسمت کیفی، ۷ نفر از صاحب‌نظران بحث دولت محلی به روش گلوله برفی برای مصاحبه انتخاب شدند. برای بررسی تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران از آزمون t تک‌نمونه‌ای، و به منظور اولویت‌بندی تأثیر هر یک از عوامل فوق، از آزمون فریدمن استفاده شد. همچنین ترسیم دیاگرام‌های علی و معلولی براساس تفکر سیستمی در نرم‌افزار Vensim صورت گرفت. با توجه به نتایج پژوهش، براساس مطالعات بخش کمی، در بعد اجتماعی-فرهنگی، گویه‌های تنوع قومی-زبانی، احساس مکانی و گرایش‌های محلی‌گرایی، و میزان مطالبات ملی و محلی در اولویت است و بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری دولت محلی در ایران دارد. در بخش اطلاعات کیفی نیز مصاحبه‌شوندگان بیشتر بر گویه‌های تنوع قومی-زبانی، احساس مکانی و گرایش‌های محلی‌گرایی تأکید کرده‌اند. در نهایت اینکه تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران زیاد است و وضعیت این بعد، تا حدودی مطلوب به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: ایران، بعد اجتماعی-فرهنگی، تفکر سیستمی، دولت محلی.

مقدمه

رشد روزافزون نهادهای محلی-مردمی و ضرورت آن‌ها در اداره امور عمومی کشور، همچنین فرایند محلی‌شدن اداره این امور در دهه پایانی قرن بیستم و دهه آغازین قرن بیست و یکم، دولت محلی را به واقعیتی انکارناپذیر در جهان تبدیل کرده است (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۸). باید توجه داشت که مکان‌ها و نواحی جغرافیایی، به‌منظور اداره بهتر امور و تنظیم روابط افقی و عمودی با سایر نواحی، همچنین استقرار نهادها و سازمان‌ها، به خودگردانی و مدیریت در بعد محلی نیاز دارند. این خودگردانی‌ها و سازمان‌دهی سیاسی فضا در بعد محلی در ادبیات جغرافیای سیاسی، به دولت محلی تعبیر می‌شود (همان: ۱). امروزه در بحث تمرکززدایی و خدمات بهتر از نظر کیفی، کمی و توسعه، تشکیل دولت‌های محلی از طریق دستگاه‌های حکومتی در یک کشور، به‌ویژه حکومت‌های تک‌ساخت مانند جمهوری اسلامی ایران مقوله‌ای اجتناب‌ناپذیر است. دولت محلی سازه‌ای سیاسی-اداری و نتیجه فرایند توزیع فضایی قدرت سیاسی است که با حکومت مرکزی پدید می‌آید. به عبارت دیگر، فرایندی است که در آن، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت بر امور محلی، در چارچوب سیاست‌های کلی حکومت مرکزی نهادها و سازمان‌های مردمی (شوراها، انجمن‌ها، نهادهای مدنی و نهادهای داوری و ریش‌سفیدان) همچنین مقامات و نهادهای حکومتی (فرمانداری، بخشداری، ادارات دولتی) قرار می‌گیرد (حافظنیا و کاویانی، ۱۳۸۸: ۳۶).

دولت محلی از موضوعاتی است که روزبه‌روز مقبولیت بیشتری در میان افکار عمومی پیدا می‌کند؛ به طوری که یکی از روش‌های بیشتر کشورهای جهان تشکیل و توسعه سازمان‌های محلی است تا با مشکلات داخلی یا محلی مقابله شود و تأمین به‌موقع نیازها و توقعات مشابه افراد مناطق مختلف صورت بگیرد (اطاعت و موسوی، ۱۳۹۰: ۴۷). براساس مطالعات، ابعاد گوناگونی در شکل‌گیری دولت محلی تأثیر دارد (مقیمی، ۱۳۸۲) که با چالش‌هایی همراه است. این ابعاد عبارت‌اند از ابعاد اجتماعی-فرهنگی، سیاسی، قانونی-حقوقی، اقتصادی-مالی و جغرافیایی که زمینه‌های شکل‌گیری دولت محلی را به‌وجود می‌آورند (مقیمی، ۱۳۹۰: ۱۰۸-۱۰۹). برای ایجاد هر یک از این ابعاد مجموعه‌ای از عوامل مختلف وجود دارد که بررسی همه‌جانبه آن الزامی است.

با توجه به آنچه بیان شد، امروزه دولت محلی به واقعیت و ضرورتی روبه‌گسترش در جهان تبدیل شده است. کشور ایران نیز از این مقوله مستثنا نیست (قالیباف، ۱۳۸۰: ۱). در شکل‌گیری دولت محلی، مؤلفه‌های زیادی مانند تأثیرگذاری بر زمینه‌های شکل‌گیری، فرصت‌ها و چالش‌های که با خلق دولت محلی به‌وجود می‌آیند نقش دارند و این مؤلفه‌ها بر یکدیگر تأثیرگذارند. در این میان، لزوم توجه به تفکر سیستمی در این حوزه الزامی است (مقیمی، ۱۳۹۰: ۱۰۷-۱۰۸). از دیدگاه پورموسوی و همکاران (۱۳۸۷: ۹۸) سازماندهی مجدد فضای سیاسی با نگرش سیستمی می‌تواند راهکار استفاده بهتر از تنوع فرهنگی توسعه، پیشرفت متوازن تمامی نقاط کشور و حداکثر استفاده از توان‌های انسانی باشد. با توجه به آنچه بیان شد، در پژوهش حاضر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری دولت محلی در ایران براساس تفکر سیستمی و در قالب بعد اجتماعی-فرهنگی شناسایی شده است. هدف این مطالعه نیز مدل‌سازی عوامل مؤثر اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری دولت محلی در قالب تفکر سیستمی با کمک نرم‌افزار Vensim است.

پیشینه پژوهش

در ادامه خلاصه‌ای از مهم‌ترین پژوهش‌ها درباره دولت محلی و سازمان‌دهی سیاسی فضا بیان می‌شود. پورموسوی و همکاران (۱۳۸۷) با پژوهشی توصیفی-تحلیلی در زمینه سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران نتیجه گرفتند منطبق‌نبودن نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران، از عواملی مانند ملاحظات اداری، دفاعی-امنیتی، رقابت‌های محلی و خدمات‌رسانی تأثیر پذیرفته است. نظام‌های سیاسی حاکم بر کشورها برای اداره بهتر

سرزمین خود، آن را به واحدهای کارکردی کوچک‌تری تقسیم می‌کنند و برخی اختیارات خود را بر عهده آن‌ها می‌گذارند که این تقسیم‌بندی سبب سهولت در اداره کشور می‌شود. همچنین نتیجه گرفتند برای استفاده بهتر از تنوع فرهنگی، توسعه و پیشرفت متوازن همه نقاط کشور، همچنین حداکثر استفاده از توان‌های انسانی باید به سازماندهی مجدد فضای سیاسی با نگرش سیستمی توجه کرد.

قالیباف و شوشتری (۱۳۹۲) در پژوهشی توصیفی، تأثیر فرهنگ سیاسی را بر مشارکت شهروندان در حکومت محلی (مطالعه موردی: تهران) بررسی کردند و نتیجه گرفتند ملموس‌ترین شکل مشارکت شهروندان با فضای زیست آنان، با مشارکت در دولت محلی امکان‌پذیر است.

ویسی (۱۳۹۲) در کتاب *درآمدی نو بر دولت محلی*، به بررسی سیاست‌های توزیع فضایی قدرت، محلی‌گرایی و ارتباط آن با جهانی‌شدن، همچنین عوامل مؤثر بر عملکرد دولت محلی و رویکردهای نوین در اداره امور کشور و بحث دولت محلی در ایران پرداخت.

علاوه بر پژوهش‌های فوق، مطالعات دیگری درباره دولت محلی و ضرورت شکل‌گیری آن انجام شده است:

۱. مسعود حمیدی (۱۳۹۱)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی ساختار و عوامل مؤثر بر توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران»؛

۲. شکبیا مقدم (۱۳۷۴)؛ کتاب *اداره امور سازمان‌های محلی و شهرداری‌ها*؛

۳. مدیر شانه‌چی (۱۳۷۹)؛ کتاب *تمرکزگرایی و توسعه نیافتگی*.

۴. مقیمی (۱۳۹۰)؛ کتاب *اداره امور حکومت‌های محلی (مدیریت شوراها و شهرداری‌ها)*

۵. قالیباف (۱۳۹۱)؛ کتاب *حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران*.

روش پژوهش

در پژوهش کاربردی و اکتشافی حاضر، شناسایی و ارزیابی عوامل اجتماعی-فرهنگی و نقش آن‌ها، همچنین اولویت‌بندی این عوامل در شکل‌گیری دولت محلی در ایران با استفاده از تفکر سیستمی صورت گرفته است. از سوی دیگر، با تأکید بر ایران و شناسایی چالش‌های موجود در بعد اجتماعی-فرهنگی و مدل‌سازی عوامل مؤثر در قالب تفکر سیستمی برای شکل‌گیری دولت محلی در ایران انجام شده است. بدین منظور، ابتدا با مطالعات کتابخانه‌ای و رویکرد تحلیل سیستمی، عوامل مؤثر بر این مقوله تعیین شد و ارتباط آن‌ها با ضرورت شکل‌گیری دولت محلی در ایران با استفاده از مطالعات کمی و کیفی صورت گرفت. در روش کمی از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد که بر مبنای طیف لیکرت از ۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد) درجه‌بندی شده است. پایایی پرسشنامه نیز به وسیله آلفای کرونباخ تعیین شد. اگر ضریب این آلفا برای مقیاسی، بیش از ۰/۷ محاسبه شود، پایایی آن مقیاس مطلوب است. ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۸ است؛ بنابراین، پایایی پرسش‌نامه مطلوب به‌شمار می‌آید و روایی آن با قضاوت کارشناسان و پوشش کامل مبنای نظری تأیید شده است.

برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss و آزمون‌های t-test و فریدمن استفاده شد. نمونه آماری در بخش کمی شامل ۴۰ نفر از کارشناسان و صاحب‌نظران مطلع از مبحث دولت محلی در ایران است. برای جمع‌آوری اطلاعات کیفی از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد که این مصاحبه‌ها با صاحب‌نظران در حوزه دولت محلی به روش گلوله برفی صورت گرفت. تحلیل اطلاعات با کمک ۷ کارشناس و بر مبنای آنالیز موضوعی و کدبندی صورت گرفت که بیانگر تحلیل تکمیلی نتایج پرسشنامه و تحلیل چالش‌ها و ارزیابی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر در شکل‌گیری دولت محلی در ایران است. در نهایت، بررسی نتایج بر مبنای تفکر سیستمی و به وسیله نرم‌افزار ونسیم (vensim) انجام شد.

پرسش‌های پژوهش

۱. چه عواملی در زمینه اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران مؤثرند؟
۲. اولویت‌بندی عوامل مؤثر اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران از دیدگاه صاحب‌نظران و اندیشمندان دولت محلی چگونه است؟
۳. عوامل مؤثر اجتماعی-فرهنگی چگونه در شکل‌گیری دولت محلی در ایران در قالب تفکر سیستمی بررسی می‌شود و خروجی آن چگونه است؟

مفاهیم و مبانی نظری

دولت محلی

دولت محلی واحدی سیاسی با صلاحیت و دارای اختیارات قانونی در ناحیه جغرافیایی کمتر از دولت ملی یا ایالت فدرال است (رنه‌شورت، ۲۰۰۸). این دولت موجودیتی سازمان‌یافته است که مشخصه‌های حکومتی دارد. این دولت در زمینه مالی و اداری مستقل، و هدف آن رفع احتیاجات و مشکلات مردم محل است. به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران، توزیع فضایی مناسب قدرت، و توجه به اصل تفاوت‌های مکانی، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های خاص نواحی در مدیریت بهینه امور نقش بسزایی دارد. ضمن اینکه حکومت‌ها با افزایش تحرک اجتماعی، جامعه‌پذیری و مشارکت مردم در سطوح مختلف، در نیل به توسعه پایدار موفق‌تر خواهند بود. مقایسه کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه نشان می‌دهد روند بهسازی، اصلاحات، ساختار مدیریتی و خلق حکومت‌های محلی در کشورهای توسعه‌یافته از عوامل بسیار تأثیرگذار در رشد و توسعه است (اطاعت و موسوی، ۱۳۹۰: ۲۱۴). علاوه‌براین، دولت محلی، بخشی از دولت است که در سطح بسیار نزدیکی به شهروندان قرار دارد و به آن‌ها اجازه می‌دهد در درجات بالاتر مشارکت مستقیم داشته باشند (Gamper and Palermo, 2011: 3).

بررسی عوامل مؤثر در اجرای دولت محلی

شکل‌گیری موفق و اثربخشی دولت محلی، مانند هر نظام دیگری به برخی زیرساخت‌ها نیازمند است. پیش از هر اقدامی، کشورها باید از آمادگی خود برای استقرار دولت محلی اطمینان حاصل کنند. برای این کار توصیه نمی‌شود از تجربه موفق کشورهای دیگر نسخه‌برداری شود؛ زیرا در این زمینه هیچ «مدل از پیش‌ساخته‌ای» وجود ندارد و هر کشوری باید براساس مقتضیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی و جمعیت‌شناختی خود، ابعاد دولت محلی را سامان دهد و کارایی مدیریت را درون دولت محلی بیشتر کند. دولت‌های محلی باید براساس الگوی راهبردی منحصربه‌فرد خودشان شکل بگیرند و تکامل بیابند (مقیم، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

در ادامه، مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی مؤثر در اجرای دولت محلی که اندیشمندان در قالب پژوهش‌های مختلف بررسی کرده‌اند، به اختصار بیان می‌شود. براساس نتایج پژوهش‌های مختلف، عوامل و زمینه‌های محیطی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در استقرار و میزان موفقیت دولت و نهادهای سطح محلی نقش دارند. این عوامل متناسب با ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی و سیاسی کشور موردنظر، نقش و تأثیر متفاوتی دارند و به بیان دیگر، با وزن و جایگاه متفاوتی در استقرار و شکل‌گیری دولت محلی در قالب سازمان‌ها و نهادهای سطح محلی مواجه هستند. مروری بر پژوهش‌ها نشان می‌دهد، مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های مؤثر در استقرار و شکل‌گیری دولت محلی در قالب چهار عامل زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

۱. جغرافیایی (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۰؛ میرحیدر و ذکی، ۱۳۸۱)؛
 ۲. اقتصادی-مالی (معلمی، ۱۳۸۹؛ سامتی و همکاران، ۱۳۸۶)؛
 ۳. سیاسی-قانونی (قالیباف و شوشتری، ۱۳۹۲؛ قالیباف و حافظنیا، ۱۳۸۰)؛
 ۴. فرهنگی-اجتماعی (پورموسوی و همکاران، ۱۳۸۷؛ میرحیدر و ذکی ۱۳۸۱)
- مقاله حاضر به شناسایی عوامل مؤثر در شکل‌گیری دولت محلی در زمینه اجتماعی-فرهنگی می‌پردازد.

عوامل اجتماعی-فرهنگی

میزان تنوع قومی-زبانی، و مذهبی

موازیکی بودن یا یکدست نبودن جامعه، بحثی جدی در جغرافیای سیاسی است؛ به طوری که اگر نتوان تفاوت‌ها و افتراقات کشوری را با نگاه صحیح و عملکرد واقع‌بینانه در وحدت و منافع ملی هدایت کرد، تفاوت‌های قومی-زبانی، فرهنگی-مذهبی و نژادی-تاریخی در جامعه‌ای ناهمگون رنگ و بوی سیاسی به‌خود می‌گیرد و تاروپود حیات هر واحد سیاسی را به‌چالش می‌کشد (میرحیدر و ذکی، ۱۳۸۱: ۵۶)؛ بنابراین، در کشورهایی که نژادها، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف با شرایط اقتصادی و جوی متفاوتی وجود دارد، نظام عدم تمرکز بهترین شیوه اداره است (طاهری، ۱۳۷۰: ۱۱۳). می‌توان مهم‌ترین عامل در تنوع قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگ‌های مختلف را گستردگی وسیع سرزمین دانست. این عامل بر نحوه تقسیمات کشوری تأثیر فراوانی دارد و مهم است؛ بنابراین، اقوام مختلف و فضای سکونتگاهی آن‌ها یکی از عوامل مهم در تقسیمات فضایی کشورهاست (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

باید توجه داشت که در بیشتر کشورها و واحدهای سیاسی مستقل، مسئله تنوع و تکثر اجتماعات انسانی یکی از وجوه بارز این جوامع محسوب می‌شود (میرحیدر و ذکی، ۱۳۸۱: ۵۶). با توجه به تفاوت‌های قومی-نژادی و فرهنگی باید ناحیه‌بندی براساس ضوابط قومی-زبانی و جغرافیایی صورت بگیرد تا بتوان عدالت اجتماعی را در کشور برقرار کرد. باید توجه داشت که تمرکززدایی و شکل‌گیری دولت محلی، راهکار مناسبی برای حکومت‌هایی است که گروه‌های قومی-زبانی و فرهنگی آن‌ها قلمرو ویژه‌ای دارد. همچنین با ترسیم مرزهای مشخص، امکان جدایی و تشخیص آن‌ها از یکدیگر فراهم است. در چنین نظامی، دادن برخی اختیارات از طرف دولت مرکزی به این گونه نواحی، موجب علاقه‌مندی این گروه‌ها به آب‌و‌خاک، توسعه و عمران منطقه می‌شود (همان: ۵۲). در نتیجه می‌توان گفت تنوع قومی-زبانی و مذهبی، بحثی مهم در جغرافیای سیاسی است که ممکن است در هر کشوری ناشی از وسعت زیاد جغرافیایی و... باشد. ایران از نظر تنوع قومی-زبانی، کشوری متکثر و ترکیبی است که اگر تفاوت‌های آن به‌درستی هدایت نشود، بنیان حکومت و کشور متزلزل و سست می‌شود. در این میان، یکی از مؤثرترین راهکارهای پیش‌رو برای این گونه کشورها، عدم تمرکز در قدرت و خلق دولت و نهادهای محلی است. در شکل ۱ نقشه الگوی فضایی ساختار قومی-مذهبی ایران آمده است.

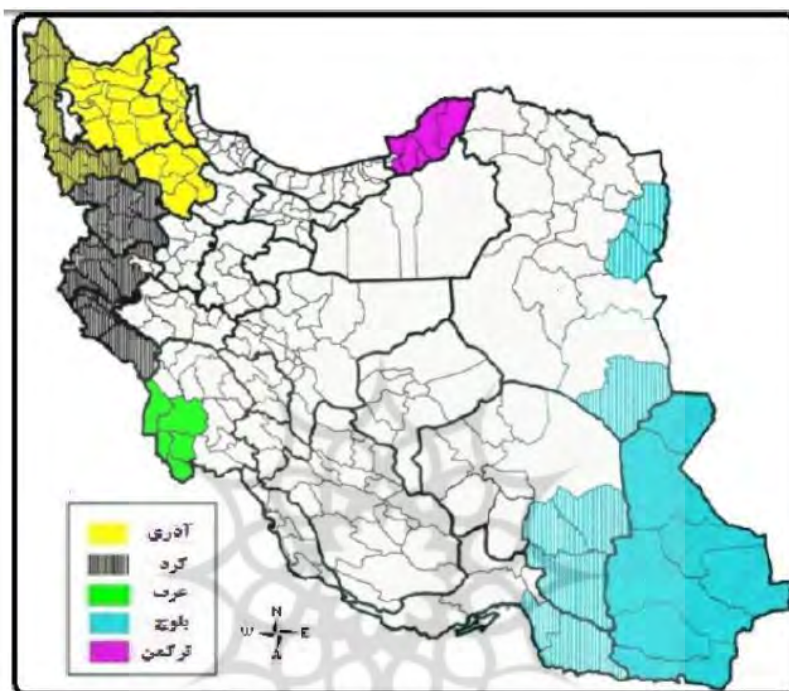
افزایش آگاهی مردم از حقوق خود در نواحی غیربرخوردار

آگاهی مردم از حقوق خود، عاملی بسیار مهم در هر جامعه است؛ به طوری که در فرایند مشروطیت، بیداری و آگاهی نسبی قشرهای شهرنشین در مقابله با استبداد، اسباب نهضت مشروطیت را فراهم کرد (حافظنیا و قالیباف، ۱۳۸۰: ۴۸).

گرایش مردم به دموکراسی

مجموع عوامل گوناگون سبب گرایش کشورهای مختلف جهان به رهیافت تمرکززدایی در دهه گذشته شده است. یکی از این عوامل افزایش گرایش مردم به برقراری دموکراسی در کشورهای درحال توسعه است که به گسترش سیاست‌های

تمرکززدایی دامن زده است (سامتی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۴)؛ به طوری که توسعه و ایجاد دولت محلی در رشد دموکراسی و گسترش شعور اجتماعی مردم اهمیت دارد (رجبیه، ۱۳۷۹: ۲). توزیع فضایی قدرت سیاسی یا به بیانی دیگر، واگذاری امور به مردم، سنگ بنای اول حکومت دموکراسی است. دولت محلی سازه‌ای سیاسی و اداری است که در نتیجه فرایند توزیع فضایی قدرت سیاسی از طریق حکومت مرکزی پدید می‌آید. ویژگی اساسی این دولت سطح تماس میان مردم محلی و حکومت مرکزی است (قالیباف و شوشتری، ۱۳۹۲: ۷۰).



شکل ۱. نقشه الگوی فضایی ساختار قومی-مذهبی ایران
منبع: یآوری، ۱۳۹۲: ۱۴۴ به نقل از حافظنیا، ۱۳۸۱: ۱۵۸

افزایش مطالبات ملی و محلی

اداره و سازمان‌دهی فضای درونی هر کشور، بدون توجه به تفاوت‌های مکانی و محلی به هیچ‌وجه صحیح نیست. همچنین بی‌توجهی به مطالبات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی افزون‌تر برای مشارکت شهروندی و داشتن سهم بیشتر در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها امری غلط است. این عوامل مشکلات و مسائل فراوانی را برای دولت‌ها به وجود می‌آورد؛ تا جایی که ممکن است به بحران‌های محلی منجر شود. در این میان، دولت‌ها می‌توانند با واگذاری بخشی از اختیارات و وظایف خود به نهادهای محلی و مردمی، افزون‌تر افزایش مشارکت شهروندی و دخالت‌دادن مردم در سرنوشت خویش، از بروز مشکلات و بحران‌های محلی که در نتیجه مطالبات ملی-محلی به وجود می‌آید اجتناب کنند (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۹). یکی از علل استقرار نظام عدم تمرکز در ایران، فشار بیش‌ازحد مطالبات ملی-محلی بر حکومت مرکزی است (حافظنیا و قالیباف، ۱۳۸۰: ۵۲).

احساس تعلق مکانی و گرایش‌های محلی‌گرایی

حکومت‌ها برای اجرایی‌کردن فرایند سازمان‌دهی سیاسی فضا نمی‌توانند بدون توجه به مؤلفه‌های مختلف انسانی و طبیعی محدوده‌های مرزبندی سرزمین خود عمل کنند. احساس تعلق و هویت مکانی ساکنان در محدوده سرزمین، یکی

از مؤلفه‌های انسانی تأثیرگذار در فرایند سازمان‌دهی سیاسی فضا است. حس مکان، ادراک ذهنی مردم و احساسات کم‌وبیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود، زمینه‌ساز تبدیل فضا به مکانی با خصوصیت حسی و رفتاری خاص برای افراد و وابستگی آن‌ها به این مکان است (احمدی‌پور و میرزایی‌تبار، ۱۳۸۹: ۴۸). انسان به محل زندگی و زادگاه خود وابسته است و هرچقدر حضور در یک مکان بیشتر باشد، وابستگی به آن بیشتر، و رابطه عاطفی و احساسی با آن برقرار می‌شود. این رابطه در مقیاس محلی احساس مکانی نام دارد. همچنین مبنای فلسفی قوی برای مشارکت مردم در اداره امور عمومی محلی است تا محل زندگی‌شان ارتقا یابد و سربلند شوند.

ساکنان محلی و بومی، انس مکانی و رابطه عاطفی قوی با محل زندگی خود دارند (ویسی، ۱۳۹۲: ۴۰). براساس نمونه‌های گوناگون، نادیده‌انگاشتن متغیر احساس، تعلق و هویت مکانی در اجرای سازمان‌دهی سیاسی فضا در غالب موارد، احساسات را به‌سوی منفی‌گرایی و آشفتگی متمایل می‌کند. در مجموع، توجه به نآرامی‌های حاصل از اجرای فرایند سازمان‌دهی سیاسی فضا در مناطق مختلف، نقش کلیدی متغیر احساس، تعلق و هویت مکانی را در این عملیات اثبات می‌کند (احمدی‌پور و میرزایی‌تبار، ۱۳۸۹: ۶۰). اگر احساس مکانی، به آرزو، تمایل، شکل‌گیری و تقویت نیروهای محلی برای اداره امور محلی به‌صورت خودگردانی و خودمختاری منجر شود، محلی‌گرایی به‌وجود می‌آید. این پدیده از ارضای حس تعلق به محل و هویت برآمده از آن شکل می‌گیرد که در بطن خود تمرکززدایی، خودگردانی، مشارکت محلی، مشروعیت محلی، توسعه محلی و خوداتکایی محلی را نهفته دارد (ویسی، ۱۳۹۲: ۵۰).

منافع و نیازهای مشترک محلی

ساکنان هر منطقه جغرافیایی برای زیستن و ادامه حیات خود نیازهایی دارند که خواهان برآورده کردن آن‌ها در این محل‌ها هستند. براین اساس، افرادی که زیستگاه مشترکی دارند، خواستار تأمین نیازها و توسعه زیربنایها و خدمات عمرانی برای تضمین تأمین بیشتر و بهتر آن‌ها در آینده هستند (حافظانیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰۴). در زیستگاه مشترک محلی و چارچوب منافع، مؤلفه‌هایی قرار دارد که ساکنان محل به آن‌ها حساس‌اند، رفتار مشترکی نشان می‌دهند و خواهان مشارکت در سرنوشت آن‌ها هستند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

محیط‌زیست، بهداشت، مدرسه، درمانگاه، بازار، برق، آب، خدمات شهری، امنیت، بهره‌برداری از منابع طبیعی، مشاغل و فعالیت‌های اقتصادی، منزلت مکانی در بین مکان‌های مجاور، سطح سیاسی، حمل‌ونقل و ارتباطات و...؛ بنابراین می‌توان گفت اکوسیستم طبیعی زیستگاه محلی و حفظ تعادل‌های اکولوژیک در آن، روح محلی‌گرایی را در ساکنان جامعه محلی تقویت می‌کند. همچنین ضرورت‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محل، به‌همراه تضمین تداوم خدمات عمومی و تأمین نیازهای سکنه زیستگاه براساس دل‌بستگی‌های مکانی در تقویت این مسئله نقش دارد (حافظانیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۸: ۱۰-۱۱). نتیجه اینکه برخی نیازها در جامعه، تنها در سطح محلی انعکاس می‌یابد. این نیازها باید به نهادها و دولت محلی سپرده شود و با توجه به احساس نیاز و مشارکت خود مردم محل، بدون درگیر شدن سازمان‌های بالادستی حل‌وفصل شود؛ بنابراین می‌توان گفت یکی از عواملی که ضرورت شکل‌گیری دولت محلی را ایجاد می‌کند، منافع و نیازهای مشترک مردم در سطح محلی است.

افزایش ظرفیت مشارکت مردم و توسعه از پایین با احیای قابلیت‌های محلی

مشارکت شهروندی در اداره امور، سبب بهبود کارایی مسایل و امور مختلف محلی می‌شود. همچنین مشارکت مردمی که نوعی تمرکززدایی در اداره امور است، توسعه انسانی، و برابری و تحقق عدالت اجتماعی-سیاسی را افزایش می‌دهد (موسوی و حکمت‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۳۴). امروزه مشارکت مردمی به‌عنوان واکنشی در برابر سیستم‌های حکومتی، نقشی مهم

در شهرها ایفا می‌کند. مشارکت شهروندی نیز برای نیل به توسعه پایدار اجتماعی و برآورده کردن اهداف مهم ملی دولت‌ها سازنده است (همان: ۱۳۵). تمرکززدایی اغلب شرط لازم برای افزایش مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی توسعه است که این نحوه مشارکت، مسئولیت و مهارت‌افزایی را به همراه دارد (حافظنیا و قالیباف، ۱۳۸۰: ۵۸-۵۹). مشارکت نه تنها حیطة اقتدار حکومت را تهدید نمی‌کند، بلکه برای توانمندی نظام در مواجهه با مسائل و بحران‌های سیاسی مؤثرترین عامل است و استحکام نظام سیاسی را به همراه دارد.

در دهه‌های اخیر، مشارکت افراد در جامعه توجه زیادی را به خود جلب کرده است. در واقع، ویژگی‌هایی جوامع مدرن امروزی از جوامع گذشته متمایز است؛ ویژگی‌هایی مانند تفکیک اجتماعی و قشربندی اجتماعی گسترده، تحرک اجتماعی بالا، گسترش کنش‌های متقابل اجتماعی، سازمان‌دهی اجتماعی و سیاسی جدید، مطالبات اجتماعی و سیاسی شهروندی و رفتارهای سیاسی نوپدید در ترتیبات سیاسی در سطح محلی. از این میان، تقاضاها، مطالبات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی بیشتر برای مشارکت شهروندی و داشتن سهم افزون‌تر در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها اهمیت بیشتری دارند. مشارکت شهروندی در جامعه مدرن، تأثیرگذاری مناسب و عمده‌ای بر شهروندان، دولت‌های محلی و دولت مرکزی دارد. از جمله بسط توانایی‌های افراد، تقویت حس اعتماد اجتماعی به دولت‌های محلی و دولت مرکزی، تقویت حس همکاری میان شهروندان و مدیران و تقویت هویت و احساس تعلق بیشتر به جامعه.

اگر توسعه نهادینه را نوعی توسعه از پایین، یا حداکثر مشارکت معنادار مردم در راستای اهداف ملی بدانیم، دولتی که نظام بسطی دارد و بر تمرکز سیاسی-اداری اصرار می‌کند، تناسب کمتری با توسعه مذکور خواهد داشت. اگرچه نظام‌های برنامه‌ریزی و تخصیص منابع، در رفع پاره‌ای از محدودیت‌های نظام بسطی بسیار کمک‌کننده هستند، هیچ‌گاه تناسب این نظام برای انتخاب گزینه توسعه از پایین، به سطح تناسب این نوع توسعه با نظام سیاسی-اداری غیرمتمرکز نمی‌رسد (همان: ۵۳). ضروری است مطالعه جدی ظرفیت‌سازی برای مشارکت فراگیر و نهادینه مردمی-محلی در جامعه صورت بگیرد. راهکار این امر، توزیع فضایی قدرت در جامعه و شکل‌گیری نهادهای محلی است. برای مثال، در زمینه مشارکت در مدیریت و تصمیم‌گیری شهری در کشور آلمان تلاش شده است تا زمینه مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، بیشتر از گذشته فراهم شود. برای این منظور از راه‌ها و شیوه‌های گوناگونی مانند مشارکت شهروندان و اداره مشارکتی آنان برای دستیابی به این هدف استفاده شده است؛ به طوری که در برخی ایالت‌ها، شهروندان حق دارند شهرداری‌ها را ملزم کنند تا در بعضی موضوع‌ها به نظرخواهی عمومی بپردازد (مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۰: ۱۰۷).

تفکر سیستمی

مشکلات جوامع انسانی و سازمان‌ها روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود و حل آن‌ها نیازمند تفکر بهتر است. رویکرد سیستمی، مدعی ارائه روشی برای برخورد اصولی‌تر با پیچیدگی‌های دنیای کنونی است (مختاری، ۱۳۸۸: ۱). سیستم معمولاً با سه مشخصه اصلی با نام‌های زیر شناخته می‌شود:

(الف) موجودیت؛

(ب) سلسله‌مراتب؛

(ج) ارتباط (Patching, 1990).

سابقه تفکر سیستمی بیش از پنجاه سال است (Checkland, 1999) و در ابتدا به تصمیم‌گیری‌های پیچیده در برنامه‌ریزی جنگ‌ها کمک می‌کرد. این تفکر در سال‌های بعد به روشی کاربردی برای برنامه‌ریزی در حوزه‌های مختلف پژوهشی و کاربردی، (Flett, 2001) و امروزه به روشی بسیار قوی برای مواجهه با موضوعات بسیار پیچیده تبدیل شده است. این روش با مدل کردن سیستم و نشان دادن اجزای آن به صورت کامل، از پیچیدگی مسئله می‌کاهد و به برنامه‌ریز

کمک می‌کند اشراف کامل به مسئله پیدا کند. Balle در سال ۱۹۹۴ در کتابی با عنوان برنامه‌ریزی و مدیریت از طریق تفکر سیستمی، سه فعالیت مهم مرتبط با تفکر سیستمی را تعریف کرد:

الف) تمرکز اصلی بر ارتباطات میان اجزا باشد؛

ب) الگوها بررسی شود و تنها به وقایع توجه نشود؛

ج) بازخوردها در سیستم نمایش داده شوند تا سیستم از حالت ایستا به حالت پویا تبدیل شود (Balle, 1994).

تفکر سیستمی به دنبال پاسخ‌دادن به این پرسش است که ساختار چگونه بر رفتار تأثیر می‌گذارد. همچنین نتیجه می‌گیرد ارتباطات داخلی در یک سیستم، سبب شکل‌گیری ساختاری می‌شود که در نتیجه آن کل سیستم رفتاری منطبق با این ارتباطات بروز می‌دهد (Senge, 1990).

سیستم اجتماعی-فرهنگی

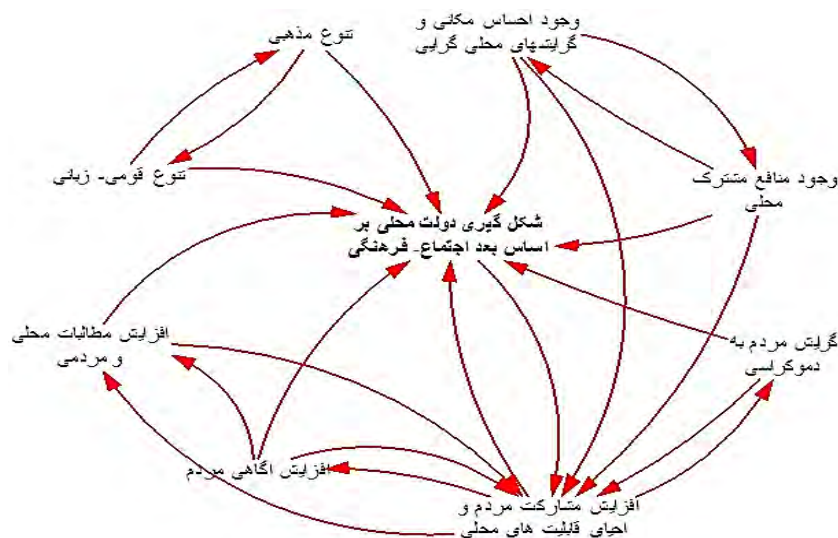
ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی هر کشور مهم‌ترین تأثیر را بر عملکرد حکومت‌ها و دولت‌های محلی می‌گذارد. در جوامعی که مردم آن روحیه فردگرایی دارند و فرهنگ مشارکت در آن جامعه ضعیف است، عملکرد دولت و دولت محلی در بدو امر خوش‌بین‌کننده نیست، اما ایجاد سازمان‌های محلی نباید موقوف به ایجاد فرهنگ مشارکت باشد، بلکه این سازمان‌ها باید شکل بگیرند تا به مرور زمان فرهنگ مشارکت در افراد محل نهادینه شود (مقیم، ۱۳۹۰: ۱۱۶-۱۱۷).

با توجه به شکل ۲، عوامل زیرسیستم اجتماعی-فرهنگی، روابط متقابلی با یکدیگر دارند و بر هم تأثیر می‌گذارند. همچنین از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و چرخه سیستم را از حالت ایستا به حالت پویا تبدیل می‌کنند. به‌عنوان مثال، میزان افزایش آگاهی مردم از حقوق خود، میزان مطالبات محلی و مردمی، احساس تعلق مکانی و گرایش‌های محلی‌گرایی، به لزوم مشارکت مردم در اداره امور جامعه و محل خودشان و توسعه از پایین با احیای قابلیت‌های محلی منجر می‌شود. همچنین بحث شکل‌گیری دولت محلی و توزیع فضایی قدرت را مطرح می‌کند. می‌توان گفت این عامل تأثیر مستقیمی در شکل‌گیری دولت محلی دارد. در نتیجه شکل‌گیری این دولت، عامل مشارکت مردمی و توسعه از پایین را تقویت می‌کند. درحالی‌که اگر حکومت مرکزی به مطالبات مردمی در نتیجه توزیع قدرت و برآوردن نیازهای آنان توجه نکند، سبب نارضایتی مردم و بروز بحران در جامعه می‌شود و حکومت را در اداره جامعه با مشکل روبه‌رو می‌کند؛ به‌ویژه اگر بحث تنوع قومی-زبانی هم به این مبحث افزوده شود.

هرچه تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هر عنصر در سیستم بیشتر باشد، می‌توان آن عنصر را بحرانی‌تر و مهم‌تر دانست؛ بنابراین، تغییر در این عنصر ممکن است بر کل سیستم تأثیرگذار باشد. در این میان، شاید تنوع قومی-زبانی، مطالبات ملی و محلی، مشارکت مردم در اداره امور، توسعه از پایین و گرایش‌های محلی‌گرایی عناصر بحرانی در این سیستم باشند؛ زیرا با بیشترین تأثیرگذاری بر عناصر و تأثیرپذیری از آنها مواجه می‌شوند.

یافته‌های پژوهش

ابتدا با استفاده از داده‌های کمی پرسشنامه آمار توصیفی، درجه تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی بر شکل‌گیری دولت محلی مشخص شد. در مرحله بعد با استفاده از آزمون‌های استنباطی مانند t تک‌نمونه‌ای، تأثیر و وضعیت ابعاد چهارگانه مورد مطالعه برای شکل‌گیری دولت محلی ارزیابی شد. در ادامه با استفاده از آزمون فریدمن، اولویت‌بندی میزان تأثیر هر یک از عوامل زیرسیستم اجتماعی-فرهنگی صورت گرفت. در بخش دوم، با استفاده از تحلیل موضوعی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران و کارشناسان با هدف بررسی تکمیلی وضعیت کنونی بررسی شد. در نهایت براساس تحلیل داده‌های کمی و کیفی، مدل نهایی زیرسیستم اجتماعی-فرهنگی برای شکل‌گیری دولت محلی در ایران ارائه شد.



شکل ۲. دیاگرام سیستم اجتماعی-فرهنگی در ارتباط با شکل‌گیری دولت محلی
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۳

آمار توصیفی (پاسخ افراد به گویه‌های پرسشنامه پژوهش)

براساس جدول ۱، با توجه به میانگین و درصد فراوانی‌های مربوط به بعد اجتماعی-فرهنگی، گویه‌های احساس مکانی و گرایش‌های محلی‌گرایی، تنوع قومی-زبانی و مطالبات ملی و محلی بیشترین تأثیر را در این بعد و در شکل‌گیری دولت محلی در ایران دارند.

جدول ۱. فراوانی و درصد پاسخ افراد به پرسش‌های بعد اجتماعی-فرهنگی

ردیف گویه	میزان تأثیر بعد مربوط		بعد اول: اجتماعی-فرهنگی				
	فراوانی	درصد فراوانی	جابجایی زیاد	جابجایی زیاد	متوسط	کم	جابجایی کم
۱ تنوع قومی-زبانی	۱۵	۳۷/۵	۱۶	۴۰	۴	۳	۲
۲ تنوع مذهبی	۶	۱۵/۰	۱۳	۳۲/۵	۱۳	۶	۲
۳ آگاهی مردم از حقوق خود	۹	۲۲/۵	۱۳	۳۲/۵	۱۳	۳	۲
۴ گرایش مردم به دموکراسی	۸	۲۰/۰	۱۱	۲۷/۵	۱۸	۲	۱
۵ مطالبات ملی و محلی	۱۴	۳۵/۰	۱۲	۳۰/۰	۱۱	۲	۱
۶ احساس مکانی و گرایش‌های محلی‌گرایی	۱۲	۳۰/۰	۱۷	۴۲/۵	۱۰	۱	۰
۷ منافع مشترک محلی	۱۴	۳۵/۰	۱۴	۳۵/۰	۷	۳	۲
۸ ظرفیت‌های مشارکتی مردم و توسعه از پایین با احیای قابلیت‌های محلی	۹	۲۲/۵	۱۷	۴۲/۵	۸	۴	۲

میانگین کلی: ۳/۷۴

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۳

ارزیابی میزان تأثیر بعد اجتماعی-فرهنگی

در آزمون t تک‌نمونه‌ای، فرض صفر مبتنی بر تأثیر کم بعد در شکل‌گیری دولت محلی در ایران، و فرض بدیل (H1) ادعای آزمون است که در صورت تأیید، نشان‌دهنده تأثیر زیاد بعد مورد مطالعه در شکل‌گیری دولت محلی است.

$$H_0: \mu \leq 3$$

$$H_1: \mu > 3$$

از آنجا که داده‌ها با طیف لیکرت ۵ درجه‌ای گردآوری شدند، میانگین عدد ۳ یعنی نقطه وسط طیف لیکرت در نظر گرفته شد. همچنین بررسی این مطالعه در سطح اطمینان ۹۵ درصد صورت گرفت؛ بنابراین، اگر آماره آزمون (مقدار معناداری) در محاسبه میانگین هر بعد، از مقدار بحرانی (سطح خطا = ۵ درصد) کوچک‌تر باشد، فرض صفر مردود است و ادعای آزمون تأیید می‌شود.

بعد اجتماعی-فرهنگی

در بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری دولت محلی، از هشت گویه در بعد اجتماعی-فرهنگی استفاده شد. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای، براساس نتایج جدول ۲ در زمینه بعد اجتماعی-فرهنگی آمده است که میانگین آن ۳/۷۴ و بزرگ‌تر از حد وسط لیکرت است. مقدار معناداری آن نیز ۰/۰۰۰ و کوچک‌تر از ۵ درصد است. براین اساس، مقدار میانگین مشاهده شده معنادار است. به استناد هریک از این یافته‌های آماری با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بعد اجتماعی-فرهنگی، بعدی مؤثر در شکل‌گیری دولت محلی در ایران است.

جدول ۲. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای برای بعد اجتماعی-فرهنگی

بعد مورد نظر	میانگین	مقدار t	مقدار معناداری	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
				حد پایین / حد بالا
بعد اجتماعی-فرهنگی	۳/۷۴۶	۷/۱۷	۰/۰۰۰	۰/۵۳۶ / ۰/۹۵۷

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۳

جدول ۳. نتایج آزمون فریدمن در بررسی بعد اجتماعی-فرهنگی

N	Chi-square	Df (درجه آزادی)	Sig (سطح معناداری)
۴۰	۱۹/۸۰	۷	۰/۰۰۶

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۳

رتبه‌بندی میزان تأثیر عوامل مربوط به بعد اجتماعی-فرهنگی

با توجه به جدول ۴، نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی هریک از گویه‌های بعد اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری دولت محلی، به ترتیب اولویت ارائه شده است. با توجه به رتبه میانگین هریک از گویه‌ها، تنوع قومی-زبانی، احساس مکانی و گرایش‌های محلی‌گرایی، و میزان مطالبات ملی و محلی به ترتیب اولویت، بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری دولت محلی دارند. در جدول ۴ سایر گویه‌ها به ترتیب اولویت مشخص شده است.

جدول ۴. رتبه هریک از گویه‌های بعد اجتماعی-فرهنگی با استفاده از آزمون فریدمن

رتبه میانگین	متغیرها	اولویت
۵/۱۴	تنوع قومی-زبانی	۱
۴/۹۸	احساس مکانی و گرایش‌های محلی‌گرایی	۲
۴/۹۱	مطالبات ملی و محلی	۳
۴/۹۰	وجود منافع مشترک محلی	۴
۴/۴۱	ظرفیت‌های مشارکتی مردم و توسعه از پایین با احیای قابلیت‌های محلی	۵
۴/۰۶	گرایش مردم به دموکراسی	۶
۴/۰۳	آگاهی مردم از حقوق خود	۷
۳/۵۸	تنوع مذهبی	۸

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۳

مشخصات مصاحبه‌شوندگان همراه با آنالیز موضوعی مصاحبه

در این مرحله، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته‌ای با برخی صاحب‌نظران و اندیشمندان بحث دولت محلی صورت گرفت. از آن‌ها خواسته شد با توجه به پرسش‌ها، درباره سیستم اجتماعی-فرهنگی نظردهی کنند و پژوهشگر را در طراحی سیستم اصلی یاری دهند. مشخصات مصاحبه‌شوندگان در جدول ۵ موجود است.

جدول ۵. مشخصات مصاحبه‌شوندگان و مدت‌زمان مصاحبه با آن‌ها

کد مصاحبه‌شوندگان	سمت	نام سازمان	سابقه فعالیت	مدت مصاحبه
#۱	عضو هیئت علمی	دانشگاه فردوسی مشهد	۱۵ سال	۴۵ دقیقه
#۲	عضو هیئت علمی	دانشگاه فردوسی مشهد	۱۲ سال	۲۰ دقیقه
#۳	عضو هیئت علمی	دانشگاه فردوسی مشهد	۴ سال	۳۰ دقیقه
#۴	عضو هیئت علمی	دانشگاه فردوسی مشهد	۳۸ سال	۳۰ دقیقه
#۵	عضو هیئت علمی	دانشگاه فردوسی مشهد	۹ سال	۲۵ دقیقه
#۶	دکتری	دانشگاه فردوسی مشهد	۲ سال	۶۰ دقیقه
#۷	عضو هیئت علمی	دانشگاه فردوسی مشهد	۱۰ سال	۲۰ دقیقه

مجموع: ۲۳۰ دقیقه

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۳

مصاحبه‌ها براساس بخش کمی، حول چهار موضوع انجام شد که به ترتیب زیر آمده است. در این مصاحبه، پس از پرسش درباره وضعیت کنونی بعد اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران با توجه به عوامل این بعد و درجه تأثیر هریک از آن‌ها، از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا راهکارهایی را برای شکل‌گیری بهتر دولت محلی در ایران و تقویت سیستم اجتماعی-فرهنگی ارائه کنند. به‌طورکلی، ارزیابی وضعیت این بعد در شکل‌گیری دولت محلی در ایران تا حدودی مطلوب و بسیار تأثیرگذار است. در ادامه، دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در مورد وضعیت عوامل مختلف بعد اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران بیان می‌شود.

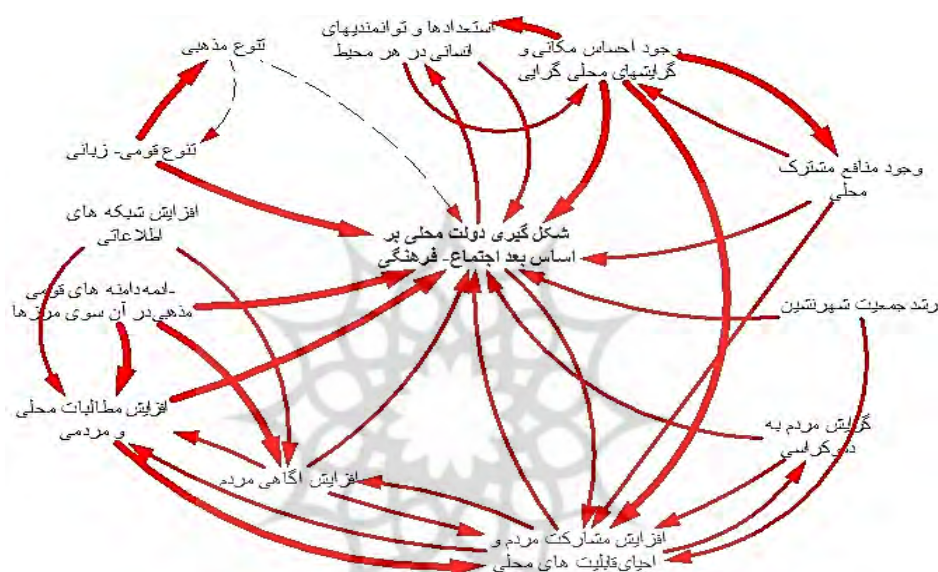
تنوع قومی-زبانی: از دیدگاه یکی از مصاحبه‌شوندگان، ایران کشوری متنوع از نظر قومی-زبانی است. مهم‌تر اینکه ادامه دامنه قومی در آن سوی مرزها، دولت‌مردان و مسئولان را به نحوی محافظه‌کار کرده است؛ به‌طوری‌که مسائل عراق و افغانستان، دولت مرکزی ایران را در بحث خودمختاری با ترس مواجه می‌کند.

میزان آگاهی مردم: به عقیده یکی از مصاحبه‌شوندگان، این عامل از تأثیرگذارترین عوامل است؛ به‌شرطی که تقویت شود، خواسته‌های مردم در آن مدنظر قرار بگیرد و مردم در اداره امور درگیر شوند. در نظام‌هایی بسیط مانند ایران،

حکومت اصل است نه مردم. در این بعد، اغلب مصاحبه‌شوندگان میزان آگاهی مردم را اولویت اول در شکل‌گیری دولت محلی در ایران می‌دانند. همچنین به عامل تنوع قومی-زبانی و مذهبی به‌عنوان یکی دیگر از عوامل مهم برای شکل‌گیری دولت محلی توجه می‌کنند.

طراحی مدل نهایی زیرسیستم اجتماعی-فرهنگی

با توجه به مطالب ذکرشده، این زیرسیستم هشت عامل حیاتی دارد که در شکل ۳ آمده است. با توجه به نتایج تحلیل داده‌های کمی و کیفی، اهمیت و اولویت برخی از این عوامل در ایران از سایر عوامل بیشتر است که در شکل ۳ با ضخامت‌های متفاوت نشان داده شده است.



شکل ۳. دیاگرام سیستم اجتماعی-فرهنگی براساس شرایط ایران

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۳

با توجه به شکل ۳، اغلب ورودی‌ها و خروجی‌های این عوامل با ضخامت زیاد مشخص شده‌اند. با توجه به نتایج تحلیل‌های کمی و کیفی در ایران، عواملی از قبیل تنوع قومی-زبانی، احساس مکانی و گرایش‌های محلی گرایشی، مطالبات ملی و محلی و ادامه دامنه قومی-مذهبی در آن سوی مرزها، از سایر عوامل تشکیل‌دهنده مهم‌تر است. این عوامل بر سایر عوامل زیرسیستم تأثیر می‌گذارند و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند؛ مانند عامل ادامه دامنه قومی در آن سوی مرزها که در صورت ارتباط اقوام و اقلیت‌ها با مردم کشورهای دیگر و اطلاع از اوضاع و شرایط آن‌ها، آگاهی از حقوق بیشتر می‌شود. این مؤلفه بر عامل افزایش مطالبات ملی و محلی مردم، و به‌طور مستقیم بر شکل‌گیری دولت محلی تأثیرگذار است. همچنین عامل افزایش مشارکت مردم در امور، مردم را آگاه‌تر می‌کند، از عامل آگاهی از حقوق تأثیر می‌پذیرد و با یکدیگر لوپ یا چرخه‌ای را تشکیل می‌دهند؛ به‌طوری‌که عامل افزایش آگاهی مردم سبب تقویت افزایش مطالبات ملی و محلی، و تأثیر مستقیم آن در شکل‌گیری دولت محلی می‌شود.

افزون بر این، عامل مشارکت مردمی، سبب افزایش گرایش مردم به دموکراسی می‌شود. این عوامل به‌طور مستقیم با شکل‌گیری دولت محلی ارتباط دارند. درنهایت می‌توان گفت عامل منافع مشترک محلی، بر احساس مکانی و گرایش‌های محلی گرایشی تأثیرگذار است، از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و با هم لوپ یا چرخه‌ای را شکل می‌دهند. این دو عامل به‌طور مستقیم در شکل‌گیری دولت محلی نقش دارند و با شکل‌گیری این دولت، قوی‌تر می‌شوند.

با توجه به شکل ۳، عواملی که تأثیر کمتری در شکل‌گیری دولت محلی در ایران دارند، با ضخامت متوسط، و عواملی که کمتر اهمیت دارند با ضخامت کمتری مشخص شده‌اند. همان‌طور که بیان شد پاسخ‌دهندگان به عواملی مانند تنوع قومی-زبانی، احساس مکانی و گرایش‌های محلی‌گرایی، مطالبات ملی و محلی، ادامهٔ دامنهٔ قومی-زبانی و مذهبی در آن‌سوی مرزها و میزان آگاهی مردم از حقوق خود اهمیت داده‌اند و این عوامل را در شکل‌گیری دولت محلی ضروری دانسته‌اند. به‌طوری‌که یکی از مصاحبه‌شوندگان در مورد عامل تنوع قومی-زبانی بیان داشتند که با توجه به اینکه ایران کشوری متنوع از نظر قومی-زبانی است و اینکه ادامهٔ دامنهٔ قومی در آن‌سوی مرزهای وجود دارد دولت‌مداران و مسئولان را به نحوی محافظه‌کار کرده است طوری که مسائل موجود در عراق و افغانستان دولت مرکزی ایران را در بحث خودمختاری می‌ترساند. هم‌چنین یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد عامل میزان آگاهی مردم می‌گوید این عامل یکی از تأثیرگذارترین عوامل است به شرطی که تقویت شود و به خواست‌ها مردم توجه شود و آنان را در اداره امور درگیر کنند ولی مشکل اینجاست که در نظام‌های بسیط مانند ایران اصل مردم نیستند بلکه اصل حکومت است. با توجه به نتایج مطالعات بخش کمی و کیفی پژوهش، پاسخ‌گویان تأثیر بعد اجتماعی-فرهنگی را بر شکل‌گیری دولت محلی در ایران زیاد عنوان کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

امروزه دولت محلی به واقعیت و ضرورتی روبه‌گسترش در جهان تبدیل شده است. کشور ایران نیز از این امر مستثنا نیست، بلکه علی‌مانند وسعت سرزمین، تنوع جغرافیایی، تنوع قومی-مذهبی، درحال توسعه بودن و... ضرورت جدی‌تری را در پرداختن به بحث دولت محلی مطرح کرده است. با تعمق در وضعیت توزیع فضایی قدرت و سازمان‌دهی سیاسی فضا در گذشته و حال کشورمان درمی‌یابیم نمونه‌هایی از نهادهای محلی و مردمی در کشور ایران شکل گرفته است، اما بیش از اینکه مردم‌مدار باشد دولت‌مدار است. از سوی دیگر، توسعهٔ پایدار بدون مشارکت نهادینهٔ مردم و درگیرکردن منافع فردی و محلی با منافع ملی امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین، یافتن الگوی توزیع فضایی قدرت که با مؤلفه‌های مختلف کشور متناسب باشد، از مهم‌ترین امور است. در این مقاله، عوامل مؤثر اجتماعی-فرهنگی، شناسایی و اولویت‌بندی شد و بررسی ارتباط آن‌ها با یکدیگر صورت گرفت تا میزان تأثیر این عوامل در شکل‌گیری دولت محلی در ایران و مدل‌سازی عوامل مؤثر در قالب تفکر سیستمی مشخص شود. با مطالعهٔ ادبیات موضوع عوامل زیر به‌دست آمد:

میزان تنوع قومی-زبانی، افزایش میزان آگاهی مردم در نواحی غیربرخوردار، میزان تنوع مذهبی، گرایش مردم به دموکراسی، افزایش مطالبات محلی و ملی، احساس تعلق مکانی و گرایش‌های محلی‌گرایی، منافع و نیازهای مشترک محلی، افزایش ظرفیت مشارکت مردم و توسعه از پایین با احیای قابلیت‌های محلی.

براساس نتایج مصاحبه‌ها، عوامل دیگری به عوامل مؤثر اضافه شد که شامل افزایش شبکه‌های اطلاعاتی، ادامهٔ دامنهٔ قومی-مذهبی در آن‌سوی مرزها، استعدادها و توانمندی‌های انسانی در هر محیط و رشد جمعیت شهرنشین است. می‌توان گفت مجموعه عوامل فوق در بعد اجتماعی-فرهنگی شکل‌گیری دولت محلی در ایران مؤثرند. با توجه به مطالعهٔ ادبیات موضوع و مبانی نظری به پرسش اول پاسخ داده شد. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای براساس نتایج مندرج در جدول ۲ در زمینهٔ بعد اجتماعی-فرهنگی آمده است که میانگین آن ۳/۷۴، و بزرگ‌تر از حد وسط لیکرت است. مقدار معناداری آن ۰/۰۰۰، و کوچک‌تر از ۵ درصد است که نشان می‌دهد مقدار میانگین مشاهده‌شده معنادار است. به استناد هریک از این یافته‌های آماری با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بعد اجتماعی-فرهنگی یکی از ابعاد مؤثر در شکل‌گیری دولت محلی در ایران است. هم‌چنین با توجه به نتایج داده‌های کمی و کیفی بخش یافته‌های پژوهش به پرسش دوم پاسخ داده شد.

در مورد سنجش اولویت عوامل بعد اجتماعی-فرهنگی با توجه به نتایج حاصل از آزمون فریدمن، به ترتیب اولویت و رتبه میانگین هر کدام از عوامل این بعد می‌توان نتیجه گرفت تنوع قومی-زبانی، احساس مکانی و گرایش‌های محلی‌گرایی، مطالبات ملی و محلی، همچنین منافع مشترک محلی و مشارکت مردمی در اداره امور، به ترتیب بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری دولت محلی دارند. در جدول ۴، اولویت‌بندی سایر گویه‌ها مشخص شده است.

در نهایت، با توجه به نتایج مبانی نظری، و مطالعات کمی و کیفی یافته‌های پژوهش به پرسش سوم نیز پاسخ داده شد. برای به‌کارگیری تفکر سیستمی، پس از شناسایی عوامل مؤثر و تأیید ارتباط با شکل‌گیری دولت محلی، این عوامل در قالب تفکر سیستمی با استفاده از نرم‌افزار Vensim مدل‌سازی شدند؛ زیرا بدون این مدل‌سازی تأثیر عوامل قابل‌بررسی نیست. با کمک مدل طراحی شده می‌توان مشخص کرد که چه عواملی برای حل چالش‌های موجود بررسی شود. در مجموع، تمامی عوامل ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و به صورت دو یا چندطرفه در حال تقویت یکدیگرند. این سیستم به صورت دینامیک تمام عوامل مؤثر اجتماعی-فرهنگی را در شکل‌گیری دولت محلی شناسایی می‌کند تا شکل‌گیری دولت محلی از بعد اجتماعی-فرهنگی به سهولت صورت بگیرد (شکل ۳). در پایان باید گفت برای شکل‌گیری موفق دولت محلی در ایران می‌بایست عوامل مؤثر اجتماعی-فرهنگی شناسایی، و چالش‌های پیش رو برداشته شود. در این راه، تفکر سیستمی با داشتن توانایی حل مسائل پیچیده مدیریتی، و در بحث مدیریت محلی «نگرش سیستمی» بهترین و کارآمدترین رویکرد هستند. به عبارت دیگر برای شناخت عوامل مؤثر در شکل‌گیری دولت‌های محلی، باید این تفکر را به عنوان یک سیستم، تجزیه و تحلیل کرد؛ به طوری که تأکید شده است برای توسعه و پیشرفت متوازن همه نقاط کشور و حداکثر استفاده از توان‌های انسانی، باید به سازماندهی مجدد فضای سیاسی با نگرش سیستمی توجه شود. همچنین برای شناخت و تحلیل موضوعات مدیریتی، به ویژه مدیریت دولت محلی نگرش سیستمی بهترین و کارآمدترین رویکرد است.

راهکارها و پیشنهاد‌های پژوهشگر برای تقویت عوامل اجتماعی-فرهنگی به منظور شکل‌گیری موفق دولت محلی در ایران

۱. عزم ملی و آموزش به مردم برای آماده کردن آن‌ها به منظور ورود به عرصه محلی‌گرایی از طریق افزایش تخصص؛
۲. تشکیل نهادهای مدنی و محلی برای ارتباط دو عامل مردم و حکومت؛
۳. افزایش آگاهی مردم با ایجاد شبکه‌های اجتماعی و اطلاعاتی؛
۴. ارتباط میان نهادهای اداری-سیاسی و دانشگاهی؛
۵. در نظر گرفتن عضو مردمی در سیستم حکومتی و زمینه‌سازی برای ورود آن‌ها به عرصه مشارکت و اداره امور محلی؛
۶. شکل‌گیری و توجه به اصل تصمیم‌گیری امور با سیستم مردمی از پایین به بالا؛
۷. لزوم تغییر نظام سیاسی بسیط و متمرکز به نظام غیرمتمرکز.

سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه تحصیلی با عنوان «ارزیابی عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری دولت محلی با نگرش سیستمی (مطالعه موردی: کشور ایران)» است که در رشته جغرافیای سیاسی در دانشگاه فردوسی مشهد تدوین شده است. نگارندگان وظیفه خود می‌دانند از حمایت‌های مادی و معنوی این دانشگاه قدردانی نمایند.

منابع

۱. احمدی‌پور، زهرا و میثم میرزایی‌تبار، ۱۳۸۹، نقش احساس مکانی در سازمان‌دهی سیاسی فضا، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۴۷-۶۲.
۲. اطاعت، جواد و زهرا موسوی، ۱۳۹۰، تمرکززدایی و توسعه پایدار در ایران، نشر انتخاب.
۳. اعظمی، هادی و علی‌اکبر دبیری، ۱۳۹۰، تحلیل نظام تقسیم سیاسی فضا در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۲، صص ۱۴۷-۱۸۱.
۴. پورموسوی، سید موسی، مهدی میرزاده کوه‌شاهی و جهانبخش خانگلوه رهنماقره، ۱۳۸۷، سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره ۳، صص ۷۵-۱۰۱.
۵. حافظنیا، محمدرضا، اسماعیل پارسایی و رضا حسین‌پورپویان، ۱۳۹۰، بررسی تطبیقی تأثیر نهادهای محلی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بر مشارکت شهروندی (مطالعه موردی: خانه انصاف و شوراهای حل اختلاف)، مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، سال چهل‌وسوم، شماره ۷۷، صص ۱۴۵-۱۶۴.
۶. حافظنیا، محمدرضا و محمدباقر قالیباف، ۱۳۸۰، راهبرد توزیع فضای قدرت سیاسی در ایران از طریق توسعه نهادهای محلی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۵۰۹، صص ۳۹-۶۱.
۷. حافظنیا، محمدرضا، زهرا احمدی‌پور و مصطفی قادری‌حاجت، ۱۳۹۱، سیاست و فضا، پژوهشکده امیرکبیر، تهران.
۸. حافظنیا، محمدرضا، کاظم ذوقی‌بارانی و زهرا احمدی‌پور، ۱۳۸۸، بررسی تأثیر الگوی دوگانه مدیریت سیاسی فضا بر کارکردهای مناطق آزاد: مطالعه موردی کیش، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، سال پانزدهم، شماره ۱، صص ۳۹-۲۱.
۹. حافظنیا، محمدرضا و مراد کاویانی‌راد، ۱۳۸۸، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت، تهران.
۱۰. حمیدی، مسعود، ۱۳۹۱، بررسی ساختار و عوامل مؤثر بر توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۱. رجبیه، محمدحسین، ۱۳۷۸، دولت محلی در انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
۱۲. سامتی، مرتضی، محسن رنایی و مژگان معلمی، ۱۳۸۶، تمرکززدایی و منافع تشکیل دولت‌های محلی از منظر افزایش کارایی، مجله تحقیقات اقتصادی، سال چهل‌ودوم، شماره ۷۸، صص ۱۲۳-۱۵۱.
۱۳. شکیبامقدم، محمد، ۱۳۸۴، مدیریت سازمان‌های محلی و شهرداری‌ها برای دانشجویان رشته مدیریت دولتی، نشر میر، تهران.
۱۴. طاهری، ابوالقاسم، ۱۳۷۳، اداره امور سازمان‌های محلی (رشته مدیریت)، دانشگاه پیام‌نور.
۱۵. قالیباف، محمدباقر، ۱۳۸۰، بررسی تحلیلی سیر تکوین نهادهای محلی ایران در دوران معاصر و ارائه الگوی مناسب، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران، دانشکده علوم انسانی.
۱۶. قالیباف، محمدباقر، ۱۳۹۱، حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۷. قالیباف، محمدباقر و محمدجواد شوشتری، ۱۳۹۲، تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت شهروندان در حکومت محلی، مطالعه موردی: تهران، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۶۹-۸۲.
۱۸. مختاری، قاسم، ۱۳۸۸، مقدمه‌ای بر نگرش سیستمی، <http://behsad.com>.
۱۹. معلمی، مژگان، ۱۳۸۹، تمرکززدایی و شکست در تدارک کالاهای عمومی محلی توسط دولت‌های محلی با استفاده از رهیافت تئوری بازی‌ها، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۵، شماره ۹۱، صص ۲۰۱-۲۲۰.
۲۰. مقیمی، سید محمد، ۱۳۹۰، اداره امور حکومت‌های محلی و مدیریت شوراها و شهرداری‌ها، انتشارات سمت، تهران.
۲۱. موسوی، میرنجف و حسن حکمت‌نیا، ۱۳۸۵، تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران، مجله تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۱، شماره ۸۰، صص ۱۲۱-۱۳۶.

۲۲. میرحیدر، دره و قربانعلی ذکی، ۱۳۸۱، **بررسی نظام جغرافیایی-سیاسی در ایران از طریق توسعه نهادهای محلی**، پژوهش‌های جغرافیایی، سال سی پنجم، شماره ۴۲، صص ۴۹-۶۴.
۲۳. یآوری بافقی، محمدحسین، حمید مستجابی و احمدرضا اسماعیلی، ۱۳۹۲، **تحلیلی بر تأثیر همگرایی ملی اقوام ایرانی بر امنیتی ملی ج.ا. ایران**، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال ششم، شماره ۲، صص ۱۳۵-۱۵۴.
۲۴. ویسی، هادی، ۱۳۹۲، **درآمدی بر دولت محلی**، نشر سمت، تهران.
25. Balle, M., 1994, **Managing with Systems Thinking**, McGraw-Hill, London.
26. Checkland, P. B., 1999, **System Thinking, System Practice**, John Wiley and Sons, Chichester, England.
27. Flett, P., 2001, **The role of Quality in the Management of Projects**, PhD thesis, University of Stirling.
28. Gamper, A., and Palermo, F., 2011, **Federalism, local government and policy-making**, Federal Governance, Vol. 8, No. 3, PP. 1-4.
29. Patching, D., 1990, **Practical Soft Systems Analysis**, 1st, Pitman Publishing, UK, pp 10-45.
30. Senge, P. M., 1990, **The Fifth Discipline, the art and practice of the learning organization**, First, Doubleday, USA.
31. Ahmadipoor, Z., and Mirzaeitabar, M., 2010, **The role of locational feeling in the political Organization of Space**, Journal of Geographical Environment and Spatial Planning, Vol. 4, No. 12, PP. 47-62. *(In Persian)*
32. Etaat, J., and Moosavi, Z., 2011, **Decentralization and Sustainability in Iran**, Entekhab Publication. *(In Persian)*
33. Azami, H., and Dabiri, A., 2011, **Analysis of the Political Division of Space in Iran**, Journal of Geopolitics, Vol. 7, No. 2, PP. 147-181. *(In Persian)*
34. Poormoosavi, M., Mirzadeh Kooohshahi, M., and Rahnemaghareh, Kh., 2008, **The Political Organization of Space and Cultural Functional Areas in Iran**, Journal of Geopolitics, Vol. 4, No. 3, PP. 75-101. *(In Persian)*
35. Hafeznia, M. R., Parsaei, E., and Hosseinpoorpooyan, R., 2011, **A Comparative Analysis of the Effects of Local Institutions on Citizen Participation Before and after Islamic Revolution: A Case Study of Trade Unions and Dispute Resolution Councils**, Journal of Human Geography, Vol. 43, No. 77, PP. 145-164. *(In Persian)*
36. Hafeznia, M. R., and Ghalibaf, M. B., 2001, **The Strategy of Spatial Distribution of Political Power in the Country Through the Development of Local Institutions**, Journal of Geographical Research, Vol. 16, No. 509, PP. 39-61. *(In Persian)*
37. Hafeznia, M. R., Ahadipoor, Z., and Ghaderihajat, M., 2012, **Politics and Space**, Amirkabir Institute of Research, Tehran. *(In Persian)*
38. Hafeznia, M. R., ZoghiBarani, K., and Ahadipoor, Z., 2009, **Analysis of the Effects of Dual Model of Political Management of Space on the Functions of Free Zones: A Case Study of Kish**, Journal of Planning and Space Preparation, Vol. 15, No. 1, PP. 21-39. *(In Persian)*
39. Hafeznia, M. R., and Kavianirad, M., 2009, **New Horizons in Geopolitics**, Samt Publication, Tehran. *(In Persian)*
40. Hamidi, M., 2012, **Analysis of the Structure and the Influential Factors on the Spatial Distribution of Power in Iran**, Unpublished M. A Thesis, Ferdowsi University of Mashhad. *(In Persian)*
41. Rajabieh, M. H., 2008, **Local Government in England**, Unpublished M. A Thesis, Shahid Beheshti Universtiy, School of Law. *(In Persian)*
42. Sameti, M., Ranani, M., and Moalemi, M., 2007, **Decentralization and the Benefits of Forming Local Governments Based on Enhanced Efficiency**, Journal of Economic Research, Vol. 42, No. 78, PP. 123-151. *(In Persian)*

43. Shakibamoghadam, M., 2005, **The Management of Local Institutions and Municipalities for the Students of Public Administration**, Mir Publication, Tehran. *(In Persian)*
44. Taheri, A., 1994, **The Management of Affairs of Local Institutions: Management Major**, Payam-E-Noor University. *(In Persian)*
45. Ghalibaf, M. B., 2001, **The Analytic Investigation of the Development Trend of Local Institutions in Iran in the Contemporary Era and Presenting an Appropriate Model**, Unpublished Doctoral Dissertation, Tarbiyat Modarres University. *(In Persian)*
46. Ghalibaf, M. B., , 2012, **Local Government or the Spatial Distribution of Power Strategy in Iran**, Amirkabir, Tehran. *(In Persian)*
47. Ghalibaf, M. B., and Shooshtari, M. J., 2013, **The Effect of Political Culture on the Participation of People in Local Governments: A Case Study of Tehran**, Human Geography Studies, Vol. 45, No. 2, PP. 69-82. *(In Persian)*
48. Mokhtari, Gh., 2009, **An Introduction to Systemic Thinking**, Http://Behsad.Com. *(In Persian)*
49. Moalemi, M., 2010, **Decentralization and Failure In Providing Public and Local Products By Local Governments: Based on the Strategy of Play Theory**, Journal of Economic Research, Vol. 45, No. 91, PP. . *(In Persian)*
50. Moghimi, M., 2011, **The Management of the Affairs of Local Governments and the Management of Councils and Municipalities**, Samt Publication, Tehran. *(In Persian)*
51. Moosavi, M., and Hekmatnia, H., 2006, **The Historical Analysis of Citizen Participation in the Management of Cities in Iran**, Journal of Geographical Studies, Vol. 21, No. 80 ,PP. 121-136. *(In Persian)*
52. Mirheydar, D., and Zaki, Gh., 2002, **The Analysis of Geopolitical System of Iran Through Developing Local Institutions**, Geographical Studies, Vol. 35, No. 42, PP. 49-64. *(In Persian)*
53. Veisi, H., 2013, **on Introduction to Local Government**, Samt Publication, Tehran. *(In Persian)*